

# دوستی در خویشاوندی

(تفسیر آیه ۲۳ سوره ی شوری)

اثر: آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی - رحمه الله -



## بِسْمِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

درباره‌ی آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی شوری که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. . .﴾ میان دو تن از علمای برجسته و نامدار شیعه یعنی محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق و محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام البغدادی ملقب به شیخ مفید و پیروان آن دو اختلاف نظر وجود دارد.

نخست لازم است به مطلبی مهم اشاره کنم و آن این است که درباره‌ی روایاتی که به آیات قرآن مربوط می‌شود به طور کلی دو نظر وجود دارد: یک نظر این است که باید روایات را ملاک فهم قرآن قرارداد و به تعبیر دیگر: باید روایات را بر قرآن حاکم کنیم اگر چه مخالف ظاهر قرآن یا مخالف عقل باشند.

نظر دیگر این است که باید قرآن را اصل قرار دهیم و روایات را بر قرآن عرضه کنیم و اگر موافق قرآن باشند، قبول و چنانچه مخالف قرآن یا مخالف عقل باشند، مردود بشماریم.

شیخ صدوق از نظر نخست پیروی کرده است و روایات را بر قرآن حاکم می‌

نمود و شیخ مفید محقق عقل‌گرا بوده و قرآن را بر روایات حاکم می‌کرد.

شیخ صدوق درباره‌ی آیه‌ی مزبور می‌نویسد: «این آیه دلالت دارد که خدا اجر رسالت پیغمبر اسلام - ص - را در برابر ارشاد و هدایت مردم، موَدّت اهل بیت او قرار داده است» (اعتقادات صدوق ص ۱۱۱) البته شیخ صدوق توضیح نداده است که از آیه‌ی مزبور چگونه برداشت کرده است که اجر رسالت پیغمبر - ص - موَدّت اهل بیت او است.

شیخ مفید در نقد سخن شیخ صدوق می‌نویسد:

«صحیح نیست که کسی بگوید خدا همه‌ی اجر پیغمبرش را، یا بخشی از آن را، موَدّت اهل بیت او قرار داده است زیرا اجر پیغمبر - ص - در برابر عمل تقرّبی باید خالص برای خدا باشد و عملی که خالص برای خدا باشد اجرش به عهده‌ی خداست نه غیر خدا.

علاوه بر این خدا به حضرت هود (ع) دستور داده است که بگوید: ﴿يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي﴾ یعنی: «ای قوم من! در برابر رسالتم اجری از شما نمی‌خواهم اجر من فقط به عهده‌ی خدایی است که مرا آفریده است» (هود/۵۱)

اگر آن طور که شیخ صدوق گمان کرده است اجر پیغمبر - ص - به عهده‌ی مردم باشد در این صورت در آیه‌ی قرآن تناقض واقع می‌شود زیرا معنای آیه چنین می‌شود که «من اجری از شما مردم نمی‌خواهم بلکه اجری از شما مردم

می‌خواهم»؛ و نیز معنای آیه چنین می‌شود که «اجر من فقط به عهده‌ی خداست و اجر من به عهده‌ی خدا و غیر خدا است» و این محال است و صحیح نیست که این معنی متناقض و محال به قرآن نسبت داده شود». (مصنّفات شیخ مفید ج ۵ ص ۱۴۰)

اختلاف نظر مفسران بر سر کلمه‌ی «القربی» در آیه است. آیت الله طباطبایی صاحب «تفسیر المیزان» می‌گوید: «القربی» به معنی «ذوی القربی» است و کلمه‌ی «ذوی» باید تقدیر گرفته شود. و «ذوی القربی» به معنی اهل بیت پیغمبر - ص - است. (المیزان ج ۱۸ ص ۴۶)

اما به نظر این جانب «القربی» مصدر و به معنی قرابت و خویشاوندی است کسی که می‌گوید لفظ «ذوی = صاحبان» در تقدیر دارد و به معنی صاحبان خویشاوندی یا خویشاوندان است صحیح نیست زیرا:

اولاً، تقدیر بر خلاف اصل است و تا ضرورت ایجاب نکند نمی‌توان چیزی را تقدیر گرفت و در آیه‌ی مودّت هیچ ضرورتی ندارد که موجب تقدیر شود زیرا بدون تقدیر، آیه‌ی مزبور معنای روشن و صحیحی دارد.

ثانیاً، تقدیر مورد اشاره‌ی صاحب المیزان بر خلاف روش قرآن است زیرا روش قرآن این است که هر جا صاحبان قرابت را یاد کرده است لفظ «اولی القربی» یا «ذی القربی» یا «ذوی القربی» را آورده است.

(اولی القربی = نساء/۸ - توبه/۱۱۳ - نور/۲۲)، (ذوی القربی = بقره/۱۷۷)،  
 (ذی القربی = بقره/۸۳ - نساء/۳۶ - مائده/۱۰۶ - انعام/۱۵۲ - انفال/۴۱ - نحل/۹۰ -  
 - اسراء/۲۶ - روم/۳۸ - فاطر/۱۸ - حشر/۷) اگر در آیه‌ی موَدّت مقصود این بود که  
 صاحبان قرابت را یاد کند، طبق روش عمومی قرآن باید یا با لفظ «ذی القربی» یا  
 «ذوی القربی» و یا «اولو القربی» می‌آمد و مثلاً بگوید «الّا المودّة فی ذوی  
 القربی» و در این صورت هیچ خللی در لفظ آیه هم بوجود نمی‌آمد. حال چه  
 دلیلی دارد که قرآن در آیه‌ی موَدّت از روش عمومی خود که در پانزده مورد اعمال  
 شده عدول کرده و «فی القربی» گفته و مقصودش «فی ذوی القربی» بوده باشد؟  
 هیچ دلیلی وجود ندارد و هر کس چنین بگوید فکر شخصی خود را به طور ناروا  
 بر قرآن تحمیل کرده است.

ثالثاً، «ذوی القربی» را به معنی اهل بیت پیغمبر - ص - دانستن نیز صحیح  
 نیست زیرا «ذوی القربی» شامل همه‌ی خویشان نسبی پیغمبر - ص - می‌شود  
 حتی ابولهب و فرزندان، اما اهل بیت به معنای خانواده است که شامل افراد  
 محدودی می‌شود. بنابراین «ذوی القربی» به معنای اهل بیت نیست، آن طور که  
 صاحب تفسیر المیزان تصوّر کرده‌اند، بلکه به معنای صاحبان قرابت نسبی است  
 که شامل صدها مصداق می‌شود.

رابعاً، معنای قابل قبول برای آیه‌ی موَدّت که مورد قبول جمهور مفسّران

می‌باشد، این است که خدا به پیغمبر - ص - دستور می‌دهد که به کفار قریش که قبیله و عشیره‌ی او بودند بگوید: اگر دعوت‌م را بپذیرید اجری از شما مطالبه نمی‌کنم درخواستم از شما دوستی در قرابت و خویشاوندی است.

## توجه!

شیخ صدوق و همفکرانش از روایاتی متأثر بوده‌اند و لذا گفته‌اند مقصود از آیه‌ی مودّت با اهل بیت پیغمبر - ص - می‌باشد اینک به آن روایات اشاره می‌کنیم و متوجه می‌شویم که فاقد اعتبارند:

روایت اول: در «نور الثقلین» ج ۴ ص ۵۷۱ از محاسن برقی روایت شده که: «امام صادق - ع - فرموده است خدا در این آیه محبت ما را واجب کرده است» این روایت مخدوش و مردود است زیرا:

اولاً، سندش بی اعتبار است زیرا نام یکی از روایانش ذکر نشده و به اصطلاح «مُرسل» است و معلوم نیست آن راوی که اسمش ذکر شده راستگو یا دروغگو بوده است.

ثانیاً، این که از قول امام صادق - ع - گفته‌اند: خدا محبت ما را بر مردم واجب کرده است عقلاً صحیح نیست زیرا محبت یک امر قلبی است و ممکن نیست متعلّق تکلیف و امر و نهی واقع شود چون اگر علل آن بوجود آید محبت به طور

قهری به وجود می‌آید و نمی‌توان جلو آن را گرفت و اگر علل آن موجود نشد با امر و دستور و فرمان به وجود نمی‌آید. اگر گفته شود مقصود این است که با اهل بیت باید رفتار محبت‌آمیز داشت این به اهل بیت اختصاص ندارد زیرا خدا می‌فرماید مؤمنان با یکدیگر با محبت و صمیمیت رفتار می‌کنند ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ (توبه/۷۱).

ثالثاً، این روایت مخالف معنای صحیح آیه است که قبلاً توضیح دادیم. روایت دوم: در «نور الثقلین» ج ۴ ص ۵۷۱ باز از محاسن برقی روایت شده که: عبدالله بن عجلان گوید از ابوجعفر - ع - درباره‌ی آیه‌ی مودت پرسیدم فرمود: «قال هم الأئمة = آنان ائمه هستند»، بر این روایت نیز اشکالاتی وارد است. اولاً، ضمیر «هم» در روایت مرجعی در آیه ندارد زیرا «القربی» به معنی خویشاوندی است کسی که این روایت را جعل کرده نخست برای «القربی»، ذوی را تقدیر کرده است سپس ضمیر «هم» را به آن ارجاع داده است و این برخلاف صریح آیه است.

ثانیاً، به فرض این که «ذوی» در تقدیر گرفته شود و «القربی = خویشاوندی» به «ذوی القربی = خویشاوندان» معنی شود اختصاص دادن آیه به ائمه هیچ توجیهی ندارد بلکه تخصیص اکثر است زیرا «ذوی القربی» شامل همه‌ی خویشان نسبی پیغمبر - ص - که صدها نفر بودند - چه مومن و چه کافر -



می شود.

به علاوه طبق اظهارات شیخ مفید محال است موَدّت ذوی القربی رسالت پیغمبر - ص - باشد.

ثالثاً، اختصاص دادن «ذوی القربی» به ائمه و خارج کردن حضرت فاطمه و زینب و ابوالفضل و برادران شهیدش و سایر صلحای اهل بیت از آن، معقول و مقبول نیست.

روایت سوم: در «روضه‌ی کافی» از اسماعیل بن عبدالخالق روایت شده که امام صادق - ع - فرمود: «این آیه درباره‌ی اقارب سول الله - ص - نیست فقط در خصوص ما اهل بیت نازل شده است درباره‌ی علی و فاطمه و حسن و حسین (اصحاب کساء)».

بر این روایت نیز اشکالاتی جدی وارد است.

اولاً، ظاهر روایت این است که «ذوی» در «فی القربی» تقدیر گرفته شده که قبلاً گفتیم صحیح نیست.

ثانیاً، اختصاص «ذوی القربی» که شامل همه‌ی خویشان نسبی پیغمبر - ص - می شود به اهل بیت توجیهی معقول ندارد.

ثالثاً، این روایت اهل بیت را در چهار نفر منحصر کرده است و این غلط است. رابعاً، آیه مکی است و قبل از هجرت نازل شده است و هنوز حضرت حسن و

حسین به دنیا نیامده بودند.

روایت چهارم: در «مجمع البیان» از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: از پیغمبر پرسیدم «مَنْ هُوَ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ؟» یعنی: «این‌ها چه کسانی هستند که خدا ما را امر به دوستی با آنان نموده؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان فاطمه.

بر این روایت نیز اشکالات زیر وارد است:

اولاً، آیه مکی است و ابن عباس که راوی حدیث است هنگام نزول آیه به دنیا نیامده بود. اگر در اواخر دوران مکه متولد شده باشد کودکی سه، چهار ساله بوده است زیرا ابن عباس هنگام رحلت پیغمبر - ص - سیزده یا چهارده سال داشت. پس اصل روایت از نظر سند اعتبار ندارد (به فرض ابن عباس از کسانی شنیده باشد چون معلوم نیست از چه کسانی شنیده است روایت معتبر نیست)

ثانیاً، برای «هؤلاء» موجود در حدیث، در آیه مشارٌ الیه وجود ندارد زیرا آیه بر جماعت دلالت ندارد زیرا «القربی» مصدر است به معنی خویشاوندی نه خویشاوندان و تقدیر گرفتن «ذوی» برای «القربی» هم صحیح نیست قبلاً ذکر شد.

ثالثاً، این که در حدیث آمده خدا ما را به محبت به ائمه دستور داده است صحیح نیست زیرا قبلاً ذکر شد که محبت با دستور و فرمان بوجود نمی‌آید.

رابعاً، تقدیر «ذوی» برای «فی القربی» صحیح نیست چه رسد به این که خویشاوندان نسبی که صدها نفر از مؤمن و کافر بوده‌اند به فاطمه و علی و حسن و حسین - سلام الله علیهم - اختصاص داده شود. به علاوه آیه مکی است و حضرت حسن و حسین هنوز در آن زمان متولد نشده بودند.

روایت پنجم: در «مجمع البیان» از امام حسن - ع - روایت شده که فرموده است: «من از اهل بیتی هستم که خدا در قرآن درباره‌ی آنان فرموده است مودّشان بر هر مسلمانی واجب است.»

بر این روایت نیز علاوه بر بی اعتبار بودن از لحاظ سند تمام اشکالات وارد بر روایات قبلی نیز وارد است.

بنابراین ادّعی شیخ صدوق - رح - درباره‌ی آیه‌ی مودّت که بر اساس روایات فوق بوده است غیر قابل قبول است.